

تفاوت‌های جنسیتی در استفاده از شبکه‌های اجتماعی (مطالعه موردی دبیرستان‌های منطقه ۵ شهر تهران)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۷/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۹/۱۴

مجید قاسمی^{*۱}

علی مقدم زاده^۲

چکیده

مقدمه: هدف پژوهش حاضر تعیین تفاوت‌های جنسیتی در استفاده از شبکه‌های اجتماعی و ارتباط آن با عملکرد تحصیلی در میان دانش‌آموزان مقطع دبیرستان منطقه ۵ تهران در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ می‌باشد.

روش: این پژوهش به روش توصیفی و از نوع پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه دانش‌آموزان مقطع دبیرستان منطقه ۵ تهران در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ می‌باشد. نمونه آماری، شامل ۳۷۲ نفر از دانش‌آموزان هستند که (۱۷۲ پسر و ۲۰۰ دختر) به صورت تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. همچنین به منظور جمع‌آوری داده‌ها، از پرسش‌نامه محقق ساخته که دارای ویژگی‌های فنی (روایی محتوایی و پایایی، ۰/۸۶) مناسبی بوده برای اندازه‌گیری میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی استفاده گردیده و از نمرات پایان ترم دوم تحصیلی ۹۵-۹۴ برای عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان استفاده شد، سپس از طریق نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان زیاد بوده و این مسئله سبب افت تحصیلی دانش‌آموزان شده است. تفاوت معناداری بین دختران و پسران در میزان استفاده و انگیزه استفاده از این‌گونه شبکه‌ها وجود داشت. همچنین، شبکه اجتماعی تلگرام بیشترین محبوبیت را در بین دانش‌آموزان داشته است.
واژه‌های کلیدی: شبکه‌های اجتماعی، عملکرد تحصیلی، آموزش و پرورش، منطقه ۵ تهران.

۱. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی دانشگاه کردستان نویسنده

*نویسنده مسئول: gmajid13@gmail.com

۲. استادیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

Gender differences in the use of social networks (Case Study of high school students of Tehran, region 5)

Majid Ghasemi^{1*}
Ali moghademzadeh²

Abstract

Introduction: The aim of this study was to determine gender differences in the use of social networks and its relationship with academic performance among high school students of Tehran, region 5, in the educational year 1394-95.

Methods: This research used a descriptive survey-based approach. The statistical population was all high school students of Tehran region 5 in academic year 1394-95. The statistical sample comprises of 372 students (172 boys and 200 girls) who have been chosen at randomized stratification. We collected data on how much students use social networks through a researcher-made questionnaire, which has appropriate technical features (content validity and reliability of 0/86), to measure how much students use social networks and the end of the second academic semester 1394-1395 for student's performance were used.

Results: The results showed that the use of social networks among students was high and this issue has caused educational decline in the students. There was significant differences between girls and boys in motivation and the use of the networks.

Conclusion: Results showed that Telegram was the most popular social network among the participants.

Keywords: Social networks, Academic performance, Education, Tehran, region 5.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

1 PhD student, Higher Education Planning, University of Kurdistan

* Corresponding Author: gmajid13@gmail.com

2 Assistant Professor, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran

مقدمه

«ما در عصر شبکه‌ها زندگی می‌کنیم»، عصری که در آن شکل‌گیری شبکه‌های گوناگون اجتماعی آنلاین، شیوه‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی نوینی، به عرصه گسترده‌ی ارتباطات اجتماعی، معرفی کرده است. شبکه‌های اجتماعی مجازی، نسل جدیدی از فضای روابط اجتماعی هستند که با این که عمر خیلی زیادی ندارند، به خوبی توانسته‌اند جای خود را در زندگی مردم باز کنند. جوان امروز دیگر محدودیت‌های گذشته را ندارد و هر لحظه در هر کجا که باشد می‌تواند با هر نقطه‌ای از جهان که بخواهد، ارتباط برقرار کند. زندگی در محیط‌های مجازی، امری بدیهی به‌شمار می‌رود و از شاخصه‌های پست مدرن این است که براحتی در اختیار افراد، با سبک‌ها و محیط‌های مختلف اجتماعی قرار گرفته و این امر به مرور، میزان کنترل خانواده‌ها و مدارس بر آموخته‌های نسل جدید و نیز کیفیت و جهت‌گیری‌های آموزشی و تربیتی خانواده‌ها، مدارس و جامعه، تأثیر می‌گذارد. این شبکه‌های اجتماعی^۱ با ویژگی‌های خاص خود در واقع اوج انقلاب اینترنتی هستند و جایی برای دیگر نوآوری‌های عصر اینترنت باقی نگذاشته‌اند (کاستلز^۲، ۱۳۸۰). از سال ۲۰۰۵ تا کنون موضوع شبکه‌های اجتماعی مجازی، اصلی‌ترین مشغله‌ی کاربران اینترنت در دنیا و به تبع آن در ایران بوده است (نقل از مرادی، ۱۳۹۰). بدین جهت، شبکه‌های اجتماعی مجازی در حال حاضر قوی‌ترین رسانه آنلاین در دنیا به‌شمار می‌روند. از آثار مثبت اینترنت، به‌روز کردن اطلاعات، استفاده از مطالب علمی و دسترسی به فناوری‌های روز است، اما به موازات آن گرایش نوجوانان و جوانان به چت‌روم‌ها^۳، عشق‌های مجازی، کلاهبرداری و سوءاستفاده از دختران و پسران، با ارایه‌ی شخصیت‌های دروغین، ازدواج‌های اینترنتی، سرقت اطلاعات و اخاذی را موجب شده است. این شبکه‌ها به دلیل تکثر و تنوع محتوایی و قابلیت‌های متعدد نرم‌افزاری و اینترنتی، با استقبال وسیعی از سوی کاربران مواجه شده‌اند. ویژگی این شبکه‌ها، قدرت برقراری نظام شبکه‌ای میان دوستان و هم‌فکران کاربران، به صورت منظم و سامان‌مند است (ضیایی پور و عقیلی، ۱۳۸۸). ما از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنیم تا دوستان و خانواده‌هایمان را به خود نزدیک‌تر کنیم، به همسایگان و هم‌دانشگاهیانمان دسترسی یابیم، به بازار محصولات و خدمات نیرو بخشیم (هانسن و دیگران، ۲۰۱۱). به نقل از میرمحمد صادقی، (۱۳۹۱).

اصطلاح شبکه‌های اجتماعی را برای نخستین بار جی ای بارنز^۴ در سال ۱۹۵۴ طرح کرد و از آن پس به سرعت به شیوه‌ای کاربردی در تحقیقات و مطالعات بدل گشت (بوید و ایسون^۵، ۲۰۰۷). در مورد تاریخچه شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، به اعتقاد کاستلز در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰، سیستم ارتباط الکترونیکی جدیدی شکل گرفت که از ترکیب رسانه‌های همگانی جهانی و

1. Social Network
2. Castels
3. Chat Room
4. J. A. Barnes
5. Boyd & Ellison

سفارشی و ارتباط کامپیوتری تشکیل شده بود. این سیستم جدید، قلمرو ارتباط الکترونیکی را به کل زندگی گسترش داد (کاستلز، ۱۳۹۰). عاملی معتقد است، شبکه‌ای شدن جامعه امروز، معنای همه چیز را مورد باز اندیشی قرار داده و مفاهیم تازه‌ای را ایجاد کرده است. اقتصاد، فرهنگ، اجتماع و حتی مفاهیم عام‌تری همچون مکان و زمان نیز در این فرایند دگرگون شده یا همچنان در حال دگرگونی هستند و معانی و تعاریف نو و جدیدی به خود گرفته‌اند (عاملی، ۱۳۸۸). فضای مجازی دارای جنبه‌های مختلفی بوده و کنش‌گران وسیعی، در طیف‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد، از افراد و گروه‌ها تا شرکت‌ها و حتی کشورها (ویلیامز و جان^۱، ۲۰۰۸؛ به نقل از خانیکی و بابایی، ۱۳۹۰). بنابراین تأمل در جنبه‌های مختلف فضای مجازی، می‌تواند در درک پدیده‌های نوین اجتماعی و فرهنگی مثمرتر باشد.

میزان استفاده از اینترنت و شبکه‌های مجازی چنان رو به گسترش است که نسل کنونی را نسل زد^۲، نسل اینترنت یا نسل شبکه نام نهاده‌اند. این نسل متولدین اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی به بعد هستند. در ایران نیز، براساس گزارش سال ۲۰۱۰ سایت آمار جهانی اینترنت، تعداد کاربران اینترنت از ۲۵۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ به ۳۲۲۰۰۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۹ رسیده است. این درحالی است که آمار کاربران را تا آخرین ماه سال ۲۰۱۳ میلادی ۴۵ میلیون نفر بر اساس جمعیت ۸۰ میلیون نفری ایران می‌داند (آمار جهانی اینترنت^۳، ۲۰۱۳). به گزارش وزارت آموزش و پرورش، بیش از یک میلیون و ۳۶۰ هزار دانش‌آموز در امتحانات نهایی سال ۹۳ شرکت کردند و ۸۰ درصد این دانش‌آموزان با میانگین نمره ۱۲ قبول شدند (سالنامه آماری وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۳). برخی از کارشناسان آموزشی ورود دانش‌آموزان به فضای مجازی و سرگرم شدن در شبکه‌های اجتماعی و بازی‌های اینترنتی را در افت تحصیلی مؤثر می‌دانند. بنابراین با رشد آمار استفاده از اینترنت و توسعه روزافزون کاربران شبکه‌های اجتماعی، بالأخص نوجوانان، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که دانش‌آموزان چه میزان از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند و این استفاده با چه انگیزه‌هایی صورت می‌گیرد و این که استفاده از شبکه‌های اجتماعی چه تأثیری بر عملکرد تحصیلی آن‌ها گذاشته است.

دلایل اهمیت مطالعه شبکه‌های اجتماعی نه تنها به دلیل جایگاهی است که این شبکه‌ها امروزه در میان کاربران اینترنت یافته‌اند، بلکه به دلیل نفوذ و گسترش آن در زندگی روزمره این کاربران، باعث گردیده عملاً شبکه‌ها به بخشی از زندگی روزانه آن‌ها تبدیل شود. بین استفاده نسل‌های مختلف از شبکه‌های اجتماعی و همچنین انگیزه‌های آن‌ها از پیوستن به فضای مجازی تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد. به‌عنوان مثال، نتایج تحقیقات نشان داده است که مادران نسبت به پدران بیشتر از فیس‌بوک استفاده می‌کنند و بیشتر دوستان فیس‌بوکی مادران، اعضای خانواده و

1. Williams & Joan
2. Generation Z
3. Internet World Stats

خویشاوندان آن‌ها هستند؛ اما پدران بیشتر با دوستان فیس‌بوکی خود در خارج از فیس‌بوک ارتباط برقرار می‌کنند (بارتولومئو^۱ و دیگران، ۲۰۱۲)؛ حال آن‌که نسل اینترنت، تماس با دوستان و سرگرمی راه، نسبت به تماس با خانواده، به‌عنوان دلیل عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی، ذکر می‌کنند. کاربران این شبکه‌ها بخشی از مشخصات هویت، عکس و جنبه‌هایی از زندگی شخصی خود را با عموم دوستانشان در میان می‌گذارند و ارتباطات مجازی را به‌عنوان راهی مقبول برای تداوم دوستی-ها و ارتباطاتشان می‌پذیرند (مرادی، ۱۳۹۰). در واقع تلاش جهان مجازی این است که همه چیز راه، در جریان الکترونیسته قرار دهد و مقوله‌های جهان واقعی را به شکل دیجیتالی درآورد (عاملی، ۱۳۸۷). چونگ^۲ نیز در این باره می‌گوید، صفحات پروفایل افراد در شبکه‌های اجتماعی مجازی، این‌شانس را به خالقان خود می‌دهد که آن جنبه‌هایی از هویت را که پیشتر پنهان بوده، افشا کنند. به این ترتیب کاربران شبکه‌های اجتماعی بیان می‌کنند که این «من واقعی» است که نمایش داده می‌شود (چونگ، ۲۰۰۰). بسیاری از کاربران این شبکه‌ها، نوجوانان و دانش‌آموزان مقطع متوسطه می‌باشند، که با انگیزه‌های متفاوت، از شبکه‌های اجتماعی مختلف استفاده می‌کنند و این استفاده، می‌تواند عملکرد تحصیلی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین با بررسی این مسئله، می‌توان از میزان استفاده و انگیزه‌های مختلف این کاربران آگاه شده و تأثیر آن را در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مشخص نمود. همچنین با توجه به استقبال گسترده کاربران اینترنتی خصوصاً قشر جوان و نوجوان از شبکه‌های اجتماعی مجازی، بررسی مسائل مربوط به این شبکه‌ها جهت اتخاذ تصمیمات صحیح و برنامه‌ریزی دقیق توسط مسئولان فرهنگی و اجتماعی و نیز والدین، ضروری است. لذا نتایج پژوهش حاضر می‌تواند در دست سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان عرصه تعلیم و تربیت قرار گرفته تا با چالش‌های پیش‌رو، در جهت بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان برنامه‌ریزی‌های لازم به عمل آید. بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و رابطه آن با عملکرد تحصیلی در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه می‌باشد. بدین منظور سؤالات ذیل صورت‌بندی شده است:

سؤال‌های پژوهش

- ۱- چه میزان از دانش‌آموزان مقطع متوسطه عضو شبکه‌های اجتماعی هستند؟
- ۲- چه میزان از دانش‌آموزان، توسط شبکه‌های اجتماعی، با دوستان خود ارتباط برقرار کرده‌اند؟
- ۳- دانش‌آموزان در کدام یک از شبکه‌های اجتماعی عضو هستند؟
- ۴- بیشترین استفاده دانش‌آموزان از کدام یک از شبکه‌های اجتماعی است؟
- ۵- دانش‌آموزان به چه میزان از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند؟

- ۶- آیا بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد؟
- ۷- آیا بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی در دانش‌آموزان به لحاظ جنسیت، تفاوت معناداری وجود دارد؟
- ۸- مهم‌ترین انگیزه استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی چیست؟
- ۹- آیا بین انگیزه استفاده از شبکه‌های اجتماعی توسط دانش‌آموزان از لحاظ جنسیت، تفاوت معناداری وجود دارد؟

پیشینه نظری و عملی پژوهش

مک لوهان^۱ استدلال می‌کند که رسانه‌های هر عصر، ماهیت جامعه آن عصر را تعیین می‌کنند. از نظر مک لوهان، پیشرفت هر جامعه‌ای همزمان با رشد فناوری بوده است. جوامع انسانی از رسانه‌ها و فناوری -از حروف الفبا تا اینترنت- اثر پذیرفته و بر آن اثر نهاده‌اند. وی رسانه‌های ارتباطی را عصاره تمدن می‌داند و معتقد است که تاریخ از طریق رسانه‌های غالب در هر عصر و زمانی، هدایت می‌شود. رسانه‌ها آنچه را در یک دوره تاریخی اتفاق می‌افتد و با اهمیت به نظر می‌رسد، تعیین می‌کنند. او به‌عنوان منادی ایده دهکده جهانی، با بیان این جمله که «وسیله پیام است»، تأثیرات شگرف فناوری بر الگوهای رفتاری و ساخت‌های اجتماعی را یادآور می‌شود (ترجمه آذری، ۱۳۷۷). مفهوم عبارت یاد شده در این نکته مشهود است که در واقع، این وسیله یا فناوری است که مقیاس، صورت جامعه و اعمال انسانی را شکل می‌دهد و اداره می‌کند. در این میان اینترنت از مهم‌ترین جلوه‌های پیشرفت فناوری بشر در حوزه‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی است. طبق نظر مک لوهان، فناوری ارتباطات، جهان را به صورت یک دهکده جهانی درآورده است. امروزه اینترنت، تعداد زیادی دهکده جهانی با اجتماعات مجازی را به وجود آورده است که فاقد محدودیت زمان و مکان هستند (کاستلز، ۱۳۸۴).

نظریه‌ی «حوزه عمومی» یورگن هابرماس^۲ نیز به‌عنوان یکی دیگر از منابع فکری مرتبط با این پژوهش مطرح است، یکی از مهم‌ترین تلاش‌های نظری برای بررسی تأثیر رسانه‌ها، در تغییرات سیاسی و اجتماعی، مفهوم حوزه عمومی است که هابرماس طرح کرده است. حوزه عمومی در واقع، ایده یا مفهومی هنجاری است که در چارچوب کلی نظریه هابرماس درباره کنش ارتباطی و اخلاق گفت‌وگو جا دارد. از دیدگاه هابرماس، حوزه عمومی، بخشی از حیات اجتماعی است که در آن شهروندان می‌توانند به تبادل نظر درباره موضوعات و مسائل مهم مربوط به خبر عمومی بپردازند. نتیجه این امر، شکل‌گیری افکار عمومی است؛ مقصود ما از حوزه عمومی، قبل از هر چیز قلمرویی از زندگی اجتماعی است که در آن، آنچه به افکار عمومی منجر می‌شود، می‌تواند شکل بگیرد (ترجمه محمدی، ۱۳۸۳). یکی از موضوعات مهم در حوزه عمومی، ابزارهای ارتباطی حوزه

1. Mc Luhan
2. Habermas

عمومی است. از دیدگاه هابرماس، از آنجا که محدوده جامعه جدید، فقط امکان حضور فیزیکی تعدادی به نسبت اندکی، از شهروندان راه امکان‌پذیر می‌سازد، رسانه‌های همگانی به نهادهای اصلی حوزه عمومی تبدیل شده‌اند (دالگرن، ترجمه شفقی، ۱۳۸۵). در صورت گسترده بودن حوزه عمومی، ارتباط و مفاهیم میان افراد، مستلزم ابزار معینی برای پراکنش و انتشار عقیده و اثرگذاری است. ابزارهای حوزه ارتباطی حوزه عمومی، به دو بخش اطلاعات و رسانه‌ها تقسیم می‌شوند. رسانه‌ها امکان برقراری ارتباط را مهیا می‌سازند و اطلاعات موجود را به اشتراک نظر می‌گذارند بر این اساس، در عصر اطلاعات، مهم‌ترین رسانه، فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات است، که تحولات بنیادین در تمامی ابعاد قلمرو حیات بشری، ایجاد کرده است (هابرماس، ترجمه پولادی، ۱۳۸۵).

نظریه‌ی کاستلز و الگوهای کنش ارتباطی در فضای سایبری ایران، ایده‌های کلیدی کاستلز، جامعه‌ی شبکه‌ای، فضای جریان‌ها و واقعیت مجازی است (بل^۱، ۲۰۰۷). کاستلز با تأکید بر تغییراتی که فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات پدید آورده است، قدرت و حوزه‌ی کارکرد شبکه‌ها را، در قالب نظریه‌ی جامعه‌ی شبکه‌ای، تحلیل می‌کند. نظریه‌ی کاستلز در مورد جامعه شبکه‌ای، مبتنی بر این اصل است که کارکردها و فرایندهای مسلط در عصر اطلاعات، به گونه‌ای فزاینده، پیرامون شبکه‌ها، سازمان می‌یابند و منطق جامعه شبکه‌ای در حال سرایت به تمام فضاهای زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. کاستلز وجود سه ویژگی مهم برآمده از فناوری‌های نوین را، موجب کارآمدی شبکه‌ها می‌داند، نخست: انعطاف‌پذیری، یعنی توانایی بازسازی مطابق تغییرات محیطی و توجه به اهداف، در عین تغییر اجزاء و یافتن اتصال‌های جدید؛ دوم: مقیاس‌پذیری، به معنای قابلیت انبساط یا انقباض اندازه شبکه، که احتمال اختلال در شبکه را کاهش می‌دهد؛ و سوم: قابلیت تداوم، بدین معنا که حیات، نشان توانایی شبکه‌ها است، زیرا آن‌ها یک مرکزیت واحد ندارند بلکه با پی‌کربندی در سطحی وسیع عمل می‌کنند و در برابر حملاتی که به گره‌ها و کدهای شبکه می‌شود، مقاومت می‌کنند (کاستلز، ۲۰۰۹، نقل از خانیکی و بابایی، ۱۳۹۰).

با وجود شیوع همه‌گیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و مزایا و معایب آن تحقیقات محدودی در این زمینه وجود دارد؛ شاید بدین دلیل که پدیده‌ی اجتماعی نسبتاً جدیدی است و فرصت محدودی برای تحقیق اکتشافی در این زمینه وجود داشته است. با این حال، در چند سال اخیر تعداد پژوهشگرانی که در زمینه‌ی شبکه‌های اجتماعی، مطالعه و تحقیق داشته‌اند، در حال رشد بوده است. در این راستا، می‌توان به چند پژوهش که در ارتباط با شبکه‌های اجتماعی مجازی انجام شده است، اشاره کرد:

نتایج پژوهش وانگ، چن و لیانگ^۲ (۲۰۱۱) نشان داد که ۴۵٪ از دانشجویان، ۸-۶ ساعت در روز، از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کردند. ۲۳٪، بیش از ۸ ساعت، صرف چک نمودن رسانه‌های اجتماعی می‌نمودند. همچنین ۲۰٪ از دانشجویان، بین ۲-۴ ساعت و تنها ۱۲٪، کمتر از ۲ ساعت را

1. Bell
2. Wang, Chen, Liang

در این کار صرف نمودند. نتایج پژوهش روسن^۱ و همکاران (۲۰۱۳) نشان داد که، افراد جهت استفاده از اینترنت و رسانه‌های اجتماعی، از ابزارهای متفاوت از جمله: گوشی‌های هوشمند، لپ‌تاپ، کامپیوتر رومیزی (PC) استفاده نموده‌اند. همچنین نتایج حاکی از تنوع استفاده از رسانه‌های اجتماعی از جمله: دوستی برخط، تماس تلفنی، جستجوی اینترنت، اشتراک‌گذاری رسانه، ارسال و دریافت ایمیل، بازی‌های ویدیویی و... بوده است. در پژوهش دیگر توسط، پاول، بیکر و کوکران^۲ (۲۰۱۲) مشخص شد، بین زمان صرف شده در شبکه‌های اجتماعی، با عملکرد تحصیلی، رابطه منفی معناداری وجود دارد. همچنین پژوهش استاوروپولس، الکساندراسکی و موتی استفانییدی^۳ (۲۰۱۳) نیز نشان داد، اعتیاد به اینترنت با پیشرفت تحصیلی رابطه منفی معناداری دارد. گرلیچ، براونینگ و سترمن^۴ (۲۰۱۰) در پژوهشی نشان دادند که، زنان نسبت به مردان، استفاده بیشتری از اینترنت و رسانه‌های اجتماعی داشته‌اند، ولیکن این تفاوت معنادار نبوده است؛ در کل استفاده زیاد و تقریباً برابر بوده است. بیشترین استفاده از شبکه فیس‌بوک بوده است. یافته‌های پژوهش گراسموک^۵ (۲۰۰۹) حاکی از آن است که استفاده افراطی کاربران از فیس‌بوک، زندگی روزمره‌شان را در زمینه‌های مختلفی، چون فعالیت‌های زندگی: از جمله تحصیل، خواب و تغذیه مختل می‌کند و این افراد نمی‌توانند مثل گذشته، به اداره امور زندگی و فعالیت‌های خود بپردازند.

خدایاری، دانشور حسینی و سعیدی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «میزان و نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد مشهد)» به این نتیجه رسیدند که، ۵۵/۳ درصد دانشجویان دانشگاه آزاد مشهد، در حد کمی از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند. همچنین نتایج حاکی از آن است که بین متغیرهایی همچون تنوع و گستردگی، میزان اعتماد، اطلاع‌رسانی و ارتباط آسان، جنسیت و رشته تحصیلی دانشجویان و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی رابطه وجود دارد. مرادی و دیگران (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «انگیزه-های استفاده از شبکه‌های مجازی اجتماعی» به این نتیجه رسیدند که، مهم‌ترین دلیل جذب مخاطب به فیس‌بوک، خودافشاگری است، با میزان ۷۲/۵۶ درصد؛ دومین انگیزه، بهبود وضعیت فردی، با ۶۹/۵ درصد؛ سومین انگیزه، با میزان ۶۸/۴۱ درصد، غوطه‌ور شدن در رسانه است؛ چهارمین انگیزه، جستجوی اطلاعات، با میزان ۵۳/۵۴ درصد؛ پنجمین انگیزه، وقت‌گذرانی، با میزان ۵۲/۴۶ درصد؛ ششمین انگیزه، حفظ روابط، با میزان ۳۷/۸ درصد؛ و هفتمین انگیزه، سرگرمی، با میزان ۳۵/۳۵ درصد. همچنین، در خرده مقیاس‌های متغیر خودافشاگری، غوطه‌ور شدن در رسانه، وضعیت فردی و سرگرمی، دختران به‌طور معناداری بالاتر از پسران قرار می‌گیرند. به‌علاوه حدود دوسوم از دانشجویان از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند و هرکدام حدود ۱۰ دوست یا مخاطب ثابت دارند که تقریباً ۴ نفر از آن‌ها جنس مخالف هستند.

1. Rosen
2. Paul, Baker, Cochran
3. Stavropoulos, Alexandraki, Motti-Stefanidi
4. Gerlich, Browning, Westermann
5. Grasmuck

مجموع نتایج نشان می‌دهد که دختران و پسران، در میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، با انگیزه‌های مختلف با یکدیگر تفاوت دارند. ضیایی پرور و عقیلی (۱۳۸۸)، در پژوهش خود تحت عنوان بررسی نفوذ شبکه‌های اجتماعی در میان کاربران ایرانی، به این نتیجه رسیدند که ۷۸ درصد کاربران اینترنت در ایران، عضو یکی از شبکه‌های اجتماعی مجازی هستند و کاربران مهم‌ترین دلیل استفاده خود از شبکه‌ها را، کارکرد کسب اطلاعات و اخبار شبکه‌ها (۳۹ درصد) اعلام کرده‌اند. همچنین اغلب کاربران، توانسته‌اند دوستان خود را پیدا کرده و ارتباط برقرار کنند.

همچنین این پژوهش، بیشترین استفاده کاربران را از شبکه اجتماعی فیس‌بوک، با میزان ۳۱ درصد، ذکر می‌کند. نتایج تحقیق ابراهیم آبادی (۱۳۸۸) تحت عنوان، «الگوی استفاده از اینترنت: محیط یادگیری و بافت فرهنگی و اجتماعی»؛ نشان داد که استفاده بیش از اندازه و غیرمعمول از اینترنت با یادگیری و پیشرفت تحصیلی، رابطه معکوس دارد. بشیر و افراسیابی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان، «شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و سبک زندگی جوانان: مطالعه موردی بزرگ‌ترین جامعه مجازی ایرانیان»؛ به این نتیجه رسیده‌اند که میان عضویت در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و نحوه اختصاص وقت به سایر فعالیت‌های اجتماعی، ارتباط وجود داشته و بیشتر پاسخ‌دهندگان اذعان کرده‌اند که به دلیل استفاده بیش‌از‌حد از اینترنت، برای فعالیت در شبکه‌های اجتماعی، مورد اعتراض سایر اعضای خانواده واقع شده‌اند. همچنین میان عضویت در شبکه‌های اجتماعی با مقوله‌هایی نظیر نحوه‌ی ارتباط با جنس مخالف و شیوه‌ی محاوره اعضا در محیط بیرونی، ارتباط وجود دارد؛ بنابراین می‌توان گفت میان عضویت در شبکه‌های اجتماعی و سبک زندگی جوانان ارتباط وجود دارد.

در مجموع می‌توان گفت، با توجه به این امر که میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، مخصوصاً در بین نوجوانان و جوانان در حال افزایش پیش‌رونده‌ای است و مطالعات بر روی این افراد می‌تواند ابعاد توجه ویژه‌ی آنان را به این پدیده‌ی نوین روشن سازد، دانستن این‌که چه تعداد از دانش‌آموزان و به چه میزان، از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند برای مجامع علمی به شدت اهمیت دارد، زیرا هم تعداد کاربران و استفاده‌کنندگان آن رو به ازدیاد است و هم زمانی که در هر بار استفاده، صرف آن می‌شود (مازر، مرفی و سیمدنس^۱، ۲۰۰۹؛ تانسی و یوزان بایلو^۲، ۲۰۱۰)، نیز اشاره کرده‌اند که این استفاده‌ها، بر یادگیری دانش‌آموزان و حال و هوای کلاس درس نیز تأثیر دارد. این نوشتار به دلیل برقراری ارتباط مستقیم با دانش‌آموزان و آسیب‌شناسی واقعیت‌های مربوط به فضای مجازی در کشور از جایگاه بالایی برخوردار است. در نتیجه این مطالعات از لحاظ تحصیلی نیز مهم می‌باشد. لذا هدف پژوهش حاضر، بررسی میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و رابطه آن با عملکرد تحصیلی در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه می‌باشد.

روش

پژوهش حاضر، به روش توصیفی و از نوع پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع دبیرستان منطقه ۵ تهران (۵۸۷۶ نفر) است که در سال

1. Mazer, Murphy, & Simonds
2. Tuncay, & Uzunboyulu

تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ مشغول تحصیل بوده‌اند. برای به دست آوردن نمونه معرف، محقق سعی نمود تا حداکثر اطلاعات را از جامعه‌ی مورد نظر استخراج نماید، لذا نمونه آماری شامل ۳۷۲ نفر از دانش‌آموزان بوده که از این تعداد ۲۰۰ دانش‌آموز دختر و ۱۷۲ دانش‌آموز پسر به‌صورت تصادفی طبقه‌ای، به‌صورت بهینه انتخاب گردید (در جدول شماره ۱ آماره‌های توصیفی ارائه شده است).

ابزار

در پژوهش حاضر به‌منظور جمع‌آوری داده‌های عملکرد تحصیلی، از نمرات پایان سال تحصیلی دانش‌آموزان در تمامی دروس استفاده گردید. همچنین در این پژوهش از پرسش‌نامه محقق ساخته، برای اندازه‌گیری میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی استفاده شد.

این پرسش‌نامه دارای ۲۵ گویه است که شامل مؤلفه‌های: نگرش به شبکه اجتماعی ۳ گویه؛ ارتباط با دوستان ۴ گویه؛ استفاده از شبکه‌های مختلف (مثل وایبر، تلگرام، واتساپ و...) ۷ گویه؛ میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی ۶ گویه؛ انگیزه استفاده از شبکه اجتماعی ۵ گویه؛ می‌باشد. جهت پاسخ به پرسش‌ها، از دو نوع نگرشی که میزان موافقت خود را بر روی طیف چهار درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم نمره ۴، موافقم نمره ۳، مخالفم نمره ۲، کاملاً مخالفم نمره ۱، مشخص نمودند) و مقداری که بر روی طیف چهار درجه‌ای لیکرت (هرگز نمره ۱، به ندرت نمره ۲، اکثر اوقات نمره ۳ و دائماً نمره ۴، تعیین نمودند)، استفاده گردید.

پرسش‌نامه، دارای ویژگی‌های فنی مناسبی (روایی محتوایی که مورد تأیید چند تن از اساتید قرار گرفت و پایایی ۰/۸۶) بوده و تجزیه و تحلیل داده‌ها، از طریق نرم‌افزار SPSS۲۱ صورت پذیرفت. بدین منظور از آمار توصیفی شامل فراوانی و درصد فراوانی و همبستگی پیرسون و آمار استنباطی t برای دو نمونه مستقل استفاده شد.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی جامعه آماری و نمونه مورد مطالعه

جنسیت	جامعه	نمونه	نمونه کل	جامعه کل
دختر	۳۳۵۲	۲۰۰		
پسر	۲۵۲۴	۱۷۲	۳۷۲	۵۸۷۶

یافته‌ها

با توجه به ماهیت این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از آمار توصیفی شامل: فراوانی، درصد فراوانی، همبستگی پیرسون و آمار استنباطی t برای دو نمونه مستقل، استفاده شد.

نتایج به‌دست آمده نشان داد که ۹۲ درصد از دانش‌آموزان پسر و ۸۳ درصد از دانش‌آموزان دختر، عضو حداقل یکی از شبکه‌های اجتماعی هستند. دانش‌آموزان پسر (۹ درصد) بیشتر از دختران، عضو شبکه‌های

اجتماعی‌اند. به‌طور میانگین ۸۷/۵ درصد از دانش‌آموزان مقطع متوسطه منطقه ۵ شهر تهران عضو شبکه‌های اجتماعی هستند. همچنین، ۹۱ درصد از دانش‌آموزان پسر و ۹۴ درصد از دانش‌آموزان دختر، دوستان خود را از طریق شبکه‌های اجتماعی پیدا کرده و ارتباط برقرار کرده‌اند. به‌طوری‌که هر دو جنس در این بخش با نسبت اختلاف کمی از یکدیگر، دارای آمار بالایی بوده و این مسئله نشان می‌دهد که برقراری ارتباط با دوستان و آشنایان در فضای مجازی صورت می‌گیرد.

در پاسخ به این سوال که هر کاربر در کدام شبکه‌های اجتماعی عضو می‌باشد؟ پاسخ‌های ارائه شده نشان می‌دهد که شبکه اجتماعی تلگرام با ۱۰۰ درصد در میان دانش‌آموزان پسر و ۹۸ درصد در میان دانش‌آموزان دختر، بالاترین میزان عضویت را در میان این کاربران داشته است. بدین معنی که تقریباً تمام دانش‌آموزان کاربر، عضو شبکه تلگرام بودند. همچنین شبکه اجتماعی اینستاگرام با میانگین ۷۴/۵ درصد در دومین رتبه‌ی میزان عضویت کاربران می‌باشد. شایان ذکر است که اختلاف چندانی در میزان عضویت دانش‌آموزان پسر و دختر در هیچ یک از شبکه‌های اجتماعی وجود نداشت. با توجه به یافته‌های این بخش از پژوهش، هر دانش‌آموز به‌عنوان کاربر در چندین شبکه اجتماعی عضویت داشته است. میانگین عضویت کاربران در دیگر شبکه‌های اجتماعی به‌ترتیب، وایبر ۴۳/۵ درصد، لاین ۴۲/۵ درصد، فیس‌بوک ۳۲ درصد می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که شبکه اجتماعی تلگرام با اختلاف زیادی نسبت به سایر شبکه‌ها، با میزان استفاده ۸۴ درصدی، در بین پسران و ۸۱ درصدی در بین دختران، دارای بیشترین میزان استفاده بوده و محبوب‌ترین شبکه اجتماعی می‌باشد. همچنین شبکه اجتماعی اینستاگرام با میانگین ۱۱ درصد و فیس‌بوک با میانگین ۶/۵ درصدی در رتبه بعدی قرار می‌گیرند. شایان ذکر است که دیگر شبکه‌های اجتماعی جزء شبکه‌های محبوب و پرکاربرد کاربران نبوده و تنها در کنار این سه شبکه اجتماعی محبوب (تلگرام، اینستاگرام و فیس‌بوک) به‌طور متغیر مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

براساس نتایج بدست آمده، دانش‌آموزان مقطع متوسطه منطقه ۵ تهران، میزان استفاده بالایی از شبکه‌های اجتماعی دارند. به‌طوری‌که ۲۲ درصد از دانش‌آموزان پسر، ۲ الی ۳ ساعت، ۴۲ درصد بین ۳-۴ ساعت، روزانه در شبکه‌های اجتماعی هستند. همچنین ۱۲ درصد از دانش‌آموزان پسر روزانه ۱ الی ۲ ساعت از وقت خود را در این شبکه‌ها می‌گذرانند. ۱۵ درصد نیز بیش از ۴ ساعت در روز را صرف استفاده از این شبکه‌ها می‌کنند. این آمار برای دختران متفاوت بوده به‌طوری‌که ۲۸ درصد از آن‌ها روزانه بین ۳-۴ ساعت، ۱۷ درصد بین ۲-۱ ساعت در روز و ۱۲ درصد نیز بیش از ۴ ساعت در روز، از زمان خود را در این گونه شبکه‌ها سپری می‌کنند. به‌طور میانگین تنها حدود ۱۰ درصد از دانش‌آموزان زمانی بین ۳۰ دقیقه الی ۱ ساعت، صرف شبکه‌های اجتماعی می‌کنند.

جدول ۲- نتایج آزمون همبستگی پیرسون

(رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و عملکرد تحصیلی)

آزمون پیرسون				
عملکرد تحصیلی				
میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی	ضریب همبستگی	معناداری	تعداد	وجود رابطه
	-۰/۵۲	۰/۰۱	۳۷۲	دارد
				معموس

جدول شماره ۲، نشان می‌دهد که همبستگی منفی بالایی با میزان ($r = -0.52$) و سطح معناداری ($p \leq 0.01$) بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان وجود دارد، به طوری که هرچه میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی بیشتر شود، عملکرد تحصیلی پایینی را از آن‌ها شاهد هستیم. شایان ذکر است که جهت تعیین رابطه دو متغیر فوق، میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی در طیف لیکرت به صورت (میزان استفاده از این شبکه‌ها تا ۱ ساعت = کم، تا ۲ ساعت = متوسط و بیش از ۲ ساعت = زیاد) در نظر گرفته شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون t مستقل پیرامون جنسیت و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی

میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی						
جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	P-value
پسر	۱۷۲	۳/۴۳	۱/۲۴	۳/۱۴	۳۷۰	۰/۰۰۱
دختر	۲۰۰	۲/۷۴	۱/۴۶			

نتایج جدول شماره ۳، اختلاف میانگین دو گروه دختر و پسر را، در میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی بیان می‌کند. با توجه به جدول بالا، مقدار آماری آزمون t برابر با $3/14$ با درجه آزادی 370 و سطح معنی‌داری $0/001$ معنادار بوده، به عبارت دیگر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی در دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری با یکدیگر داشته است. به طوری که دانش‌آموزان پسر، استفاده بیشتری نسبت به دختران، از این گونه شبکه‌ها داشته‌اند.

در رابطه با مهم‌ترین انگیزه‌های دانش‌آموزان در استفاده از شبکه‌های اجتماعی، ۲۸ درصد از دانش‌آموزان پسر مهم‌ترین انگیزه خود را، سرگرمی عنوان کرده‌اند، که بیشترین درصد فراوانی را شامل می‌شود. همچنین دیگر انگیزه‌های استفاده از شبکه‌های اجتماعی شامل: ایجاد و برقراری ارتباط، ۲۶ درصد، دوست‌یابی، ۲۰ درصد، افزایش اطلاعات علمی، ۱۴ درصد و کار کلاسی، ۱۲ درصد، می‌باشد. دانش‌آموزان دختر در مقایسه با پسران انگیزه‌های متفاوت‌تری داشتند، به طوری که مهم‌ترین انگیزه آن‌ها مربوط به دوست‌یابی با میزان ۳۱ درصد بوده که با تفاوت چشمگیری در این

مورد دختران نسبت به پسران بالاتر بودند. ولیکن در انگیزه‌های دیگر مثل سرگرمی (۱۷ درصد) و ایجاد و برقراری ارتباط (۲۲ درصد) نسبت به پسران پایین‌تر بوده‌اند. همچنین انگیزه‌های افزایش اطلاعات علمی و کار کلاسی در دو جنس نیز پایین بوده و تفاوت چندانی با یکدیگر نداشته‌اند.

جدول ۴- نتایج آزمون t مستقل پیرامون جنسیت و انگیزه استفاده از شبکه‌های اجتماعی

انگیزه استفاده از شبکه‌های اجتماعی						
جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	P- value
پسر	۱۷۲	۲/۶۹۷	۱/۴۸۷	۳/۲۹۴	۳۷۰	۰/۰۰۱
دختر	۲۰۰	۳/۲۱۰	۱/۵۰۲			

نتایج جدول شماره ۴، اختلاف میانگین دو گروه دختر و پسر را در انگیزه آن‌ها از لحاظ استفاده شبکه‌های اجتماعی بیان می‌کند. با توجه به جدول بالا مقدار آماره آزمون t برابر با ۳/۲۹۴ با درجه آزادی ۳۷۰ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ معنادار بوده به عبارت دیگر انگیزه دانش‌آموزان دختر و پسر در استفاده از شبکه‌های اجتماعی تفاوت معنی‌داری با یکدیگر داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به پژوهش حاضر، نتایج زیر به دست آمد:

- ۹۲ درصد دانش‌آموزان پسر و ۸۳ درصد دانش‌آموزان دختر، عضو حداقل یکی از شبکه‌های اجتماعی بودند. این نسبت از عضویت، نشان‌دهنده میزان بالای نفوذ شبکه‌های اجتماعی در میان دانش‌آموزان می‌باشد. نتایج پژوهش مرادی و دیگران (۱۳۹۳) نیز نشان داد که حدود دوسوم از دانشجویان، از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند. ضیایی پرور و عقیلی (۱۳۸۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که ۷۸ درصد کاربران اینترنت در ایران عضو یکی از شبکه‌های اجتماعی مجازی هستند.
- ۹۱ درصد از دانش‌آموزان پسر و ۹۴ درصد از دانش‌آموزان دختر، دوستان خود را از طریق شبکه‌های اجتماعی پیدا کرده و ارتباط برقرار کرده‌اند. براین اساس، شبکه‌های اجتماعی را می‌توان به عنوان شبکه‌های دوست‌یابی نیز تلقی نمود. در واقع به‌طور روزافزون ارتباط مستقیم و رو در روی افراد، به سمت ارتباط مجازی و آنلاین پیش می‌رود. ضیایی پرور و عقیلی (۱۳۸۸) بیان می‌کنند که اغلب کاربران (۳۰ درصد) توانسته‌اند دوستان خود را پیدا کرده و ارتباط برقرار کنند.
- دانش‌آموزان، هم‌زمان در چند شبکه اجتماعی عضو بوده و در این بین، شبکه اجتماعی تلگرام با ۱۰۰ درصد، برای پسران و ۹۸ درصد برای دختران، بالاترین میزان عضویت را در میان دانش‌آموزان داشته است. همچنین شبکه اجتماعی اینستاگرام با عضویت ۷۴/۵ درصدی کاربران

دومین رتبه را دارا می‌باشد. یافته‌ها حاکی از آن است که اغلب دانش‌آموزان، هم‌زمان در چند شبکه اجتماعی عضویت دارند. این درحالی است که برخی از این شبکه‌ها (مثلاً فیس‌بوک) در ایران پالایه می‌شود. میزان بالای عضویت دانش‌آموزان در دو شبکه تلگرام و اینستاگرام، نشان از نفوذ بالای این شبکه‌ها در میان دانش‌آموزان داشته و شاید به‌خاطر قابلیت‌ها و کاربردهای این دو شبکه است که گوی سبقت را از شبکه‌های دیگر مثل وایبر و فیس‌بوک ربوده است. نتایج پژوهش روسن و همکاران (۲۰۱۳) نشان داد که افراد جهت استفاده از اینترنت و رسانه‌های اجتماعی، از ابزارهای متفاوت استفاده نموده‌اند.

۴. شبکه اجتماعی تلگرام با ۸۱ درصد، در بین دختران و ۸۴ درصد در بین پسران، بیشترین میزان استفاده را در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی دارد و محبوب‌ترین شبکه در میان دانش‌آموزان محسوب می‌شود. در تبیین یافته‌های این بخش، این‌گونه می‌توان گفت که شاید شبکه اجتماعی تلگرام به دلیل امکانات بیشتر، بهتر و راحت‌تر و عدم پالایه بودن آن، کاربران بیشتری را نسبت به دیگر شبکه‌ها جذب خود نموده است. در واقع شبکه‌های جدیدی که وارد بازار می‌شوند چون قابلیت‌های بیشتر و متنوع‌تری دارند، باعث می‌شوند کاربران به سمت آن تمایل پیدا کنند و شبکه‌های موجود قبلی کاربران خود را از دست بدهند یا مورد استفاده کمتری قرار گیرند. علاوه بر این ۱۱ درصد کاربران، بیشترین استفاده خود را از شبکه اجتماعی اینستاگرام اعلام کرده‌اند. همچنین از شبکه اجتماعی فیس‌بوک استقبال چندانی صورت نگرفته و تنها ۶/۵ درصد کاربران، بیشترین میزان استفاده خود را از این شبکه دارند. شاید علت این امر فیلتر و پالایه بودن آن باشد که دسترسی به این شبکه را سخت‌تر می‌نماید. یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج تحقیق ضیایی‌پور و عقیلی (۱۳۸۸)، و گرلیچ و همکاران (۲۰۱۰)، که در پژوهش خود بر این باورند که فیس‌بوک با میزان ۴۱ درصد، بالاترین میزان استفاده را در میان کاربران ایرانی داشته، مغایرت دارد، البته این اختلاف شاید به دلیل ورود شبکه‌های متنوع و جدید با قابلیت‌های بیشتر به بازار باشد، که باعث شده تا از محبوبیت فیس‌بوک کاسته شود.

۵. اغلب دانش‌آموزان، ساعات زیادی از روز را صرف استفاده از شبکه‌های اجتماعی می‌کنند که این مسئله در عملکرد تحصیلی آن‌ها مؤثر بوده، به‌طوری که همبستگی منفی بالایی بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و عملکرد تحصیلی مشاهده شد. به‌عبارت‌دیگر هرچه‌قدر میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی بیشتر می‌شود، عملکرد تحصیلی پایینی را شاهد هستیم. نتایج پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۱) نشان داد که ۴۵٪ از دانشجویان ۸-۶ ساعت در روز از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کردند. ۲۳٪ بیش از ۸ ساعت صرف چک نمودن رسانه‌های اجتماعی می‌نمودند. همچنین ۲۰٪ از دانشجویان بین ۴-۲ ساعت و تنها ۱۲٪ کمتر از ۲ ساعت را در این کار صرف نمودند. نتایج پژوهش حاضر با این بخش از یافته‌های خدایاری و همکاران (۱۳۹۳) که بیان می‌کنند ۵۵/۳ درصد دانشجویان دانشگاه آزاد مشهد در حد کمی از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند، مغایر است. در پژوهش دیگر مشخص شد بین

زمان صرف شده در شبکه‌های اجتماعی با عملکرد تحصیلی، رابطه منفی معناداری وجود دارد (پال، بیکر و کوچران، ۲۰۱۲). همچنین در پژوهش دیگری نیز مشخص شد، اعتیاد به اینترنت با پیشرفت تحصیلی رابطه منفی معناداری دارد (استاوروپولس و همکاران، ۲۰۱۳). همچنان که از نتایج پیداست، میزان استفاده دانش‌آموزان هر دو جنس از شبکه‌های اجتماعی بالا بوده که این مسئله در فرایند تحصیلی دانش‌آموزان خلل ایجاد کرده و باعث افت عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود. به طوری که معدل پایان ترم دانش‌آموزان نشان داد، افرادی که بیشتر از ۲ ساعت در روز از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، دارای معدل پایین‌تری نسبت به افرادی هستند، که کمتر از ۲ ساعت، از این گونه شبکه‌ها استفاده می‌نمایند. انگیزه تحصیل، یکی از ملزومات یادگیری است که به رفتار برای تحصیل و یادگیری شدت و جهت می‌بخشد و در حفظ و تداوم آن به افراد کمک می‌کند. انگیزش تحصیلی نیز متغیری است که از اثرات شبکه‌های اجتماعی مصون نخواهد بود. مشکلات انگیزش باعث می‌شود که دانش‌آموزان در حد توانایی، استعداد و شایستگی خودشان عمل نکرده و پایین‌تر از حد انتظار فعالیت نمایند. شبکه‌های اجتماعی به دلیل جذابیت‌های خاص خود، دانش‌آموزان را از توجه به مسائل آموزشی باز داشته و انگیزه تحصیلی را در آنان کاهش می‌دهد، که این خود باعث افت تحصیلی دانش‌آموزان می‌گردد.

۶. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که رابطه منفی معنی‌داری بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان وجود دارد. به طوری که هرچه قدر میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی بیشتر شود، عملکرد تحصیلی آن‌ها پایین‌تر خواهد آمد. علاوه بر این، میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی در دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری با یکدیگر داشته است. به طوری که دانش‌آموزان پسر استفاده بیشتری نسبت به دختران، از این گونه شبکه‌ها داشته‌اند. نتایج یافته‌های خدایاری و همکاران (۱۳۹۳)، حاکی از آن است که، بین متغیرهایی چون تنوع و گستردگی، میزان اعتماد، اطلاع‌رسانی و ارتباط آسان، جنسیت و رشته تحصیلی دانشجویان و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی رابطه وجود دارد. همچنین نتایج تحقیق ابراهیم‌آبادی (۱۳۸۸) نشان داد که استفاده بیش از اندازه و غیرمعمول از اینترنت با یادگیری و پیشرفت تحصیلی رابطه معکوس دارد. بشیر و افراسیابی (۱۳۹۱) به این نتیجه رسیده‌اند که میان عضویت در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و نحوه اختصاص وقت به سایر فعالیت‌های اجتماعی ارتباط وجود داشته و بیشتر پاسخ‌دهندگان اذعان کرده‌اند که به دلیل استفاده بیش‌ازحد از اینترنت، برای فعالیت در شبکه‌های اجتماعی، مورد اعتراض سایر اعضای خانواده، واقع شده‌اند. بنابراین می‌توان گفت، میان عضویت در شبکه‌های اجتماعی و سبک زندگی جوانان ارتباط وجود دارد. کاسیدی، براون و جکسون^۱ (۲۰۱۲) بیان می‌دارند که، اگرچه اقلیت والدین، کنترل‌های سخت‌گیرانه‌تر در خصوص فناوری و مجازات‌های

سخت‌تر را به‌عنوان راه‌حل این مشکل مطرح می‌کنند، ولیکن اکثر والدین تصور می‌کنند، راهکار مؤثرتر در بلندمدت برای بزرگسالان، در خانه و مدرسه به‌منظور پیشگیری از آسیب‌های پیش روی فرزندان، ایجاد مدلی برای رفتار درست، فراهم آوردن فرصت‌هایی به‌منظور گفتگو با جوانان و بهبود و توسعه‌ی برنامه‌ی حل این معضل به همکاری میان دانش‌آموزان، والدین و مربیان آنان نیاز دارد. همچنین نتایج گراسموک (۲۰۰۹) حاکی از آن است که استفاده افراطی کاربران از فیس‌بوک، زندگی روزمره‌شان را در زمینه‌های مختلفی، چون فعالیت‌های زندگی، از جمله تحصیل، خواب و تغذیه مختل می‌کند و این افراد نمی‌توانند مثل گذشته به اداره امور زندگی و فعالیت‌های خود بپردازند.

۷. مهم‌ترین انگیزه استفاده از شبکه‌های اجتماعی میان دانش‌آموزان دختر و پسر، متفاوت از یکدیگر بوده به‌طوری که برای پسران، سرگرمی (با میزان ۲۸ درصد) و برای دختران، دوست‌یابی (۳۱ درصد) به‌دست آمد. یافته‌ها حاکی از آن است که استفاده از این شبکه‌ها در جهت انجام کار کلاسی و افزایش اطلاعات علمی صورت نگرفته و این مسائل از اهمیت کمتری برخوردار بوده است. در واقع یافته‌ها نشان می‌دهد که دلیل استفاده از شبکه‌های اجتماعی، افزایش اطلاعات علمی و یا انجام کار کلاسی نبوده و برای دانش‌آموزان، این انگیزه‌ها اهمیت چندانی نداشته است. به‌عبارت‌دیگر، مهم‌ترین انگیزه برای اغلب دانش‌آموزان دختر دوست‌یابی و برای پسران، سرگرمی بوده است. شاید دلیل چنین نتیجه‌ای این باشد که چون دختران در دنیای واقعی از طرف افراد مختلف کنترل می‌شوند و تمایلات درونی خود را نمی‌توانند بروز دهند، لذا از شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان مأمنی برای بروز تمایلات و افشای خود، بدون هرگونه کنترلی استفاده می‌کنند و جذب این‌گونه شبکه‌ها می‌گردند. لذا این شبکه‌ها تبدیل به یکی از مهم‌ترین شیوه‌های دوست‌یابی در فضای مجازی شده است. نتایج پژوهش روسن و همکاران (۲۰۱۳) حاکی از تنوع استفاده از رسانه‌های اجتماعی از جمله، دوستی برخط، تماس تلفنی، جستجوی اینترنت، اشتراک‌گذاری رسانه، ارسال و دریافت ایمیل، بازی‌های ویدیویی و... بوده است.

۸. انگیزه دانش‌آموزان دختر و پسر در استفاده از شبکه‌های اجتماعی تفاوت معنی‌داری با یکدیگر داشته است. گریچ و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی نشان دادند که زنان نسبت به مردان، استفاده بیشتری از اینترنت و رسانه‌های اجتماعی داشته‌اند؛ ولیکن این تفاوت معنادار نبوده است و در کل استفاده زیاد و تقریباً برابر بوده است. مرادی و دیگران (۱۳۹۳)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین دلیل جذب مخاطب به فیس بوک خود افاشارگی با میزان ۷۲/۵۶ درصد است، همچنین چهارمین انگیزه، جستجوی اطلاعات، با ۵۳/۵۴؛ ششمین انگیزه، برقراری روابط، با ۳۷/۸؛ و هفتمین انگیزه، سرگرمی، با ۳۵/۳۵ درصد، عنوان شده‌اند. همچنین دختران و پسران در میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با انگیزه‌های مختلف، با یکدیگر تفاوت

معناداری دارند. یافته‌های پژوهش ضیایی پرور و عقیلی (۱۳۸۸) حاکی از آن است که مهم‌ترین دلیل استفاده کاربران از شبکه‌ها، کارکرد کسب اطلاعات و اخبار شبکه‌ها (۳۹ درصد) است. بنابراین، با توجه به یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که، با ورود شبکه‌های اجتماعی متنوع، نوظهور و با قابلیت‌های بیشتر، نفوذ روزافزون این‌گونه شبکه‌ها در میان دانش‌آموزان را شاهد هستیم. همچنین میزان استفاده روزانه دانش‌آموزان، از این‌گونه شبکه‌ها زیاد بوده و این مسئله سبب افت تحصیلی دانش‌آموزان گردیده است. سرگرمی‌های مجازی، آثار زبان‌بار زیادی به غیر از افت تحصیلی نیز خواهد داشت. این مسئله حتی موجب کاهش علاقه جوانان به مشارکت‌های اجتماعی و فعالیت‌های مدنی شده و ممکن است بر مهارت‌های اجتماعی آنان تأثیر منفی بگذارد. همچنین حضور طولانی در فضای مجازی می‌تواند به فرهنگ‌پذیری اشتباه، جامعه‌پذیری ناقص و تأثیرپذیری افراطی از هنجارها و ارزش‌های حاشیه‌ای در عرصه‌های مختلف ارتباطی و اجتماعی منجر شود. همچنان که گراسموک (۲۰۰۹) بیان می‌دارد، استفاده افراطی کاربران از فیس‌بوک، زندگی روزمره-شان را در زمینه‌های مختلفی، چون فعالیت‌های زندگی، از جمله تحصیل، خواب و تغذیه، مختل می‌کند و این افراد نمی‌توانند مثل گذشته به اداره امور زندگی و فعالیت‌های خود بپردازند. بر این اساس می‌توان گفت که، فناوری‌های ارتباطی جدید، مزایا و معایب متعددی دارند. از این‌رو، با توجه به قدرتی که این فناوری‌ها به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، از نظر اجتماعی دارند، فناوری اطلاعات و ارتباطات، به عنوان یک فناوری، که در جهت توسعه و تغییر ارتباطات اجتماعی گام برمی‌دارد، باید بیشتر مورد بررسی قرار گیرد (السناء، ۲۰۰۹). حقیقی (۱۳۸۸) نیز شناخت فناوری‌های نوین، استفاده از رایانه و شبکه‌های مبتنی بر آن و استفاده‌ی به موقع و صحیح از آن‌ها را، راه‌گشای کشورهای در حال توسعه، در صحنه‌ی رقابت جهانی و ارائه خدمات به شهروندان، دانسته است.

به نظر می‌رسد، با ظهور شبکه‌های اجتماعی مختلف با قابلیت‌ها و جذابیت‌های خاص خود، که هر روز به جامعه معرفی می‌شوند، روند جذب به این‌گونه شبکه‌ها، افزایش خواهد یافت، لذا پذیرش حضور در این شبکه‌ها، گریزناپذیر است، اما با یک آسیب‌شناسی جامع و برنامه‌ریزی درست و استفاده از همه ظرفیت‌های ارتباطی، می‌توان از آن به‌عنوان یک فرصت در جهت تقویت برنامه‌های آموزشی و بهبود فرایند تعلیم و تربیت دانش‌آموزان بهره جست.

پیشنهادهات

- به دلیل اهمیت ساماندهی و نظارت بر فضای مجازی، رهبر معظم انقلاب، دستور تشکیل شورای عالی مجازی را در اسفندماه سال ۹۰ صادر فرمودند (میدانی، ۱۳۹۱: ۶).

- از آنجا که دانش‌آموزان میزان استفاده بالایی از شبکه‌های اجتماعی دارند، برنامه‌ریزی به‌منظور بهره‌گیری از قابلیت‌های این شبکه‌ها در آموزش و یادگیری می‌تواند، میزان و نوع استفاده آن‌ها را در مسیر درست و مؤثر در جهت یادگیری بیشتر و عملکرد تحصیلی بهتر قرار دهد.
- با توجه به این که میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی با نیت آموزشی و علمی خیلی پایین است، بهتر است در این زمینه راهکارهای علمی و واقع‌بینانه‌ای از سوی مسئولین اندیشیده شود.
- نظارت، کنترل، راهنمایی و مدیریت صحیح خانواده‌ها بر روی فرزندان خود در جهت میزان استفاده روزانه آن‌ها از شبکه‌های اجتماعی اعمال گردد.

منابع

- ابراهیم‌آبادی، ح. (۱۳۸۸). الگوی استفاده از اینترنت محیط یادگیری و بافت فرهنگی و اجتماعی. تحقیقات فرهنگی، شماره ۷، ۹۷-۱۱۸.
- بشیر، ح. و افراسیابی، م. ص. (۱۳۹۱). شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و سبک زندگی جوانان: مطالعه موردی بزرگ‌ترین جامعه مجازی ایرانیان. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱(۵)، ۳۱-۶۲.
- حقیقی، م. (۱۳۸۸). مجازی‌سازی راهکاری برای آینده. دومین کنفرانس بین‌المللی شهرداری الکترونیکی.
- خانیکی، ه. و بابایی، م. (۱۳۹۰). تأثیر سازوکارهای ارتباطی اینترنت، بر الگوهای تعامل کنشگران فضای سایبر ایران. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۶، ۱۱۵-۷۳.
- خدایاری، ک.، دانشورحسینی، ف. و سعیدی، ح. (۱۳۹۳). میزان و نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجاز (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه مشهد). فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۷۷، ۱۹۲-۱۶۷.
- دالگرن، پ. (۱۳۸۵). تلویزیون و گستره عمومی؛ جامعه مدنی و رسانه‌های گروهی (ترجمه مهدی شفق). تهران: سروش.
- ضیایی‌پرور، ح. و عقیلی، س. و. (۱۳۸۸). بررسی نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی در میان کاربران ایرانی. رسانه، شماره ۸۰، ۴۲-۲۳.
- عاملی، س. ر. (۱۳۸۸). شبکه‌های علمی مجازی. تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- عاملی، س. ر. (۱۳۸۷). دوجهانی شدن و دوفضایی شدن فرهنگ. مجموعه مطالعات فرهنگی، مصرف فرهنگی و زندگی روزمره ایرانیان، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.

- کاستلز، م. (۱۳۹۰). عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه‌ای). مترجم احمد علیقیان و افشین خاکباز، چاپ هفتم، تهران، انتشارات طرح نو.
- کاستلز، م. (۱۳۸۴). گفتگوهایی با مانوئل کاستلز. مترجم حسن چاوشیان و لیلا جوافشانی، تهران، نی.
- کاستلز، م. (۱۳۸۰). عصر ارتباطات و پایان هزاره. ترجمه ناصر موفقیان، جلد اول، انتشارات علمی و فرهنگی.
- مرادی، ش.، رجب‌پور، م.، کیان‌ارثی، ف.، حاجلو، ن. و رادبخش، ن. (۱۳۹۳). انگیزه‌های استفاده از شبکه‌های مجازی اجتماعی. فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، شماره اول (۴)، ۹۵-۱۱۸.
- مرادی، م. (۱۳۹۰). بررسی میزان مشارکت دانشجویان ارتباطات در تولید محتوای رسانه‌های اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- مک لوهان، م. (۱۳۷۷). برای درک رسانه‌ها. مترجم سعید آذری. تهران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صداوسیما.
- میدانی، س. (۱۳۹۱). شورای عالی فضای مجازی. مهندسی ارتباطات، ۱۹(۲)، ۷-۶.
- میرمحمد صادقی، م. (۱۳۹۱). تحلیل شبکه‌های اجتماعی با Nodex1. تهران، کیان.
- هابرماس، ی. (۱۳۸۵). جهانی‌شدن و آینده دموکراسی. مترجم کمال پولادی. تهران، مرکز.
- هابرماس، ی. (۱۳۸۳). دگرگونی ساختاری حوزه عمومی: کاوشی در باب جامعه بورژوازی. مترجم جمال محمدی. تهران، افکار.
- وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۹۳). سالنامه آماری وزارت آموزش و پرورش ۱۳۹۴-۱۳۹۳. تهران، وزارت آموزش و پرورش.
- Al-Sanaa, B. (2009), *Intimate Strangers and Estranged Intimates: An Investigation of the Impact of Instant Messaging and Short Message Service on the Size and Strength of Social Networks in Kuwait*, ProQuest LLC, Ph.D. Dissertation, The University of Southern Mississippi.
- Bartholomew, M. K., Sullivan, S. J., Glassman, M., Dush, C. M. & Sullivan, J. M. (2012), *New Parents' Facebook Use at the Transition to Parenthood*, *Family Relations*, 61(3), 455-469.
- Boyd, D. M. & Ellison, N. B. (2007), *Social network sites: definition, history, and scholarship*. *Journal of Computer-Mediated Communication*, 13(1), 210-230.
- Cassidy, W., Brown, K. & Jackson, M. (2012), "Making Kind Cool": *Parents' Suggestions for Preventing Cyber Bullying and Fostering Cyber Kindness*, *Journal of Educational Computing Research*, 46(4), 415-436.
- Cheung, C. (2000). *A home on the web: presentations of self on personal hompages*, in D. Gauntlett (ed) *Web. Studies: rewriting media studies for the digital age*, London: Arnold.
- Internet World Stats.com. (2013).

- Gerlich, R., Browning, L. & Westermann, L. (2010). The social media affinity scale: Implications for education. *Contemporary Issues in Education Research*, 3(11), 35-41.
- Grasmuck, S. (2009). Facebook and life. *Journal of Computer Mediated Communication*, 15, 188-158.
- Mazer, J. P., Murphy, R. E. & Simonds, C. J. (2009). The effects of teacher selfdisclosure via facebook on teacher credibility. *Learning, Media and Technology*, 34(2), 175-183.
- Paul, J. A., Baker, H. M. & Cochran, J. D. (2012). Effect of online social networking on student academic performance. *Computers in Human Behavior*. 28(6), 2117-2127.
- Rosen, L. D., Whaling, K. L. M., Carrier, N.A. & Cheever, J. R. (2013). The Media and Technology Usage and Attitudes Scale: An empirical investigation. *Computers in Human Behavior*, 29, 2501-2511.
- Stavropoulos, V., Alexandraki, K. & Motti-Stefanidi, F. (2013). Recognizing internet addiction: Prevalence and relationship to academic achievement in adolescents enrolled in urban and rural Greek high schools. *Journal of adolescence*, 36(3), 565-576.
- Tuncay, N. & Uzunboylu, H. (2010). Walking in two world: From elearning paradise to technologically locked- in. *Cypriot. Journal of Educational Sciences*, 5(4), 271- 281.
- Bell, D. (2007). *Cyberculture Theorists: Manuel Castells and Donna Haraway*. Routledge.
- Wang, Q., Chen, W. & Liang, Y. (2011). The Effects of Social Media on College Students. *Johnson & Wales University, ScholarsArchive@JWU*, 1-11. http://scholarsarchive.jwu.edu/mba_student.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی